

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران به اتفاق آرا تصویب کرد:

آزادی، بی هیچ حصر و استثناء!

تصویب کرد. بیشترین بحثها پیرامون بند اول این منشور صورت گرفت و سرانجام این بند بدون هیچ گونه تغییری به اتفاق آرا به تصویب رسید. مطابق این بند از منشور، کانون نویسندگان ایران آزادی بدون قید و شرط و فارغ از هر حصر و استثنایی را هدف خود قرار می دهد.

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران همچنین به اتفاق آراء کلیات اساسنامه کانون را تصویب کرد.

در این جلسه همچنین هیات دبیران کانون با رای مخفی برگزیده شد. بنا به گزارشها بیست و دو نفر کاندید عضویت در هیات دبیران کانون ادامه در صفحه ۴

اهل قلم دیارمان، آزادی و ناوابستگی به قدرت وفادار بمانید، به خودم و شما تهنیت می گویم و به عنوان یکی از اعضای هیات دبیران پیشین کانون نویسندگان ایران امیدوارم گردهم آمدنتان به توفیق کامل انجامد و متن نهایی منشور و اساسنامه کانون نویسندگان ایران به تصویب رسد. و هیات دبیران جدید برگزیده شود. سلام های گرم قلبی مرا بپذیرید.

سیمین دانشور نیز پیامی به این اجلاس فرستاد که در بعد از این اجلاس شاملو خوانده شد. مجمع عمومی منشور کانون را که توسط هیات دبیران موقت کانون به نظرخواهی گذاشته بود،

● هوشنگ گلشیری، علی اشرف درویشیان، کاظم کردوانی، محمود دولت آبادی و سیمین بهبهانی به عنوان هیات دبیران کانون نویسندگان ایران انتخاب شدند

نویسندگان ایران را که در جریان سرکوب های خونین دهه شصت، فعالیت آن متوقف شده بود، از نو آغاز کنند.

در جلسه مجمع عمومی کانون در پنجشنبه ۴ آذر ماه، ۱۱۲ نفر از نویسندگان کشور شرکت داشتند. این اجلاس با پیام احمد شاملو، شاعر نامدار معاصر آغاز شد.

احمد شاملو در بخشی از پیام خود به کانون نویسندگان ایران چنین نوشته است: اکنون از این که توانسته اید به رغم همه این دشواری های توانگاه به آرممان

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران، در جلسه روز پنجشنبه ۴ آذر ماه خود، هیات دبیران دائم کانون را برگزید و تصویب کرد این کانون برای آزادی بدون قید و شرط مبارزه خواهد کرد. با این جلسه تلاش های بی وقفه و چند ساله نویسندگان آزاداندیش ایران و مجاهدت هایی که با خون محمد مختاری ها و محمدجعفر پوینده ها همراه شده بود، به ثمر نشست و نویسندگان ایران توانستند ابتدایی ترین خواسته خود، یعنی فعالیت های کانون

اتحاد مبارزه پیروزی
پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجویان ایران

از استقلال جنبش خود دو همه گرایش های سیاسی آن دفاع کنید!
در صفحه ۲

دادگاه ویژه روحانیت عبدالله نوری را به زندان افکند و روزنامه خرداد را تعطیل کرد

عبدالله نوری از زندان اوین:
بر سر عقاید خویش با هیچ کس معامله نمی کنم و حسرت یک آخ را بر دلشان می گذارم

دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه مطبوعات در روز ششم آذر ماه همزمان احکام خود علیه عبدالله نوری و مشاءالله شمس الواعظین را اعلام کرده و آنان را به زندان محکوم کردند. در حالیکه حکم شمس الواعظین هنوز به اجرا گذاشته نشده و

فرصت تجدیدنظر به او داده شده است، دادگاه ویژه روحانیت فرصت اعتراض و تجدیدنظر خواهی را نیز از عبدالله نوری سلب کرد و بلافاصله بعد از صدور حکم او را روانه زندان اوین کرد.

عبدالله نوری در نخستین ملاقات با خانواده خود تاکید کرد که حکم ظالمانه دادگاه ویژه روحانیت او را از ادامه راه خویش منصرف نخواهد کرد. به گفته پدر عبدالله نوری، وی در این ملاقات گفته است: «بر سر اصول و عقاید خویش با هیچ کس معامله نمی کنم»

عبدالله نوری در صفحه ۳

ناصر زرافشان وکیل مدافع خانواده های مختاری و پوینده:

کشتار مخالفان فکری و سیاسی یک خط مشی بوده که مدت ها دنبال شده است

خانواده های مختاری و پوینده اعلام کرد که رسیدگی به جریان ادامه در صفحه ۳

سعید امامی و مصطفی کاظمی محدود سازد، دکتر ناصر زرافشان وکیل مدافع

رسیده و سازمان نیروهای مسلح در جدیدترین بیانیه خود کوشیده است دامنه باند جنایتکار را به

در حالی که پرونده قتل های زنجیره ای در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به بن بست

عباس امیرانتظام بار دیگر زندانی شد

سه شنبه شب به دادگاه انقلاب احضار کرده و بلافاصله به زندان اوین منتقل کردند. او افزود: دادگاه و دادرسی انقلاب نه به چرها جواب می دهند و نه خودشان را به نوعی برای ابراز دلایل آماده می کنند. صفری با اشاره به اینکه تاکنون به درخواست موکلش برای تشکیل دادگاهی با حضور هیات منصفه توجیه نشده است، افزود: در حال حاضر برای زندانی کردن امیرانتظام هیچ مجوز قانونی وجود ندارد. محمدعلی صفری گفت: روز شنبه نامه ای به رئیس جمهوری و دیوان عالی کشور خواهم فرستاد و از کارهای خلاف قانون دادگاه انقلاب در مورد آقای امیر انتظام شکایت خواهم کرد.

عباس امیرانتظام سخنگوی دولت موقت که نزدیک به دو ماه پیش برای معالجه از زندان آزاد شده بود، بار دیگر به زندان اوین فرستاده شد. به گفته محمدعلی صفری وکیل امیرانتظام، اظهار نظر امیرانتظام در یک جلسه خصوصی و انعکاس آن در یک روزنامه، بهانه ای شد تا وی دوباره زندانی شود و معالجاتش ناساتمام بماند. صفری در گفت و گویی با صبح امروز با اشاره به اینکه دادگاه انقلاب برای بازداشت امیرانتظام هیچ دلیلی ارائه نداده است گفت: امیرانتظام به دلیل بیماری و با این شرط که از انجام مصاحبه خودداری کند، حدود ۴۵ روز پیش از زندان آزاد شده بود. او گفت: امیر انتظام را ساعت ۱۱

در سالروز قتل فروهرها: کمیته دفاع از قربانیان قتل های زنجیره ای تشکیل شد



برسد و عاملان این جنایت نفرت انگیز به مجازات برسند. در این مراسم همچنین ضمن قرائت بخش هایی از بیانیه های تشکلهای مرتبط با جنبه ملی ایران، از تمامی مطبوعات بویژه روزنامه «خرداد» که در افشاء و پیگیری توطئه قتل های زنجیره ای نقش عمده ای را ایفا کردند، تشکر و از دستگاه

در مراسم یادبود سالگرد قتل داریوش و پروانه فروهر، اعلام شد که کمیته ای به نام کمیته دفاع از قربانیان قتل های زنجیره ای تشکیل شده است. در بیانیه تاسیس این کمیته که از سوی دکتر احمد صدر حاج سید جوادی امضاء شده است، آمده است: باتوجه به نگرانی عمیق مردم ایران به رغم وعده های مسئولان قضایی کشور، کمیته ای با عنوان «کمیته دفاع از قربانیان قتل های زنجیره ای» برای پیگیری و اجرای عدالت و کمک به وکلای پرونده تشکیل شده است که علاقه مندان به اجرای عدالت در کشور می توانند در صورت تمایل با این کمیته همکاری نموده و اطلاعات خود را در زمینه این قتلها در اختیار این کمیته قرار دهند.

بزرگاری مراسم یادبود
در مراسم بزرگداشت فروهرها که روز یکشنبه ۳۰ آبان و با شرکت چندین هزار نفر برگزار شد، از مبارزات پروانه و داریوش فروهر در نهضت ملی ایران در قتل و بعد از پیروزی انقلاب تجلیل به عمل آمد و از طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده عوامل و مباشرین قتل های زنجیره ای و اطلاعات ضدونقیضی که تاکنون توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح منتشر شده ابراز تاسف شد. شرکت کنندگان در این مراسم از رئیس قوه قضاییه و رئیس جمهوری خواستند تا هرچه سریعتر بدون هیچگونه چشم پوشی این پرونده به انتها

سرمقاله

در «آرامش» هم می توان باخت!

دو نوع واکنش از سوی رهبری جمهوری اسلامی در قبال محاکمه عبدالله نوری دیده شد: نوع اول، واکنش خامنه ای و ناطق نوری بود. خامنه ای در پاسخ به پرسش های دانشجویان، تاکید کرد بی عدالتی از دادگاه ویژه روحانیت ندیده است. رهبر جمهوری اسلامی که پس از اعلام مجرم بودن نوری از سوی هیات منصفه دادگاه ویژه روحانیت سخن می گفت، افزود این دادگاه کاملاً قانونی است. بدین ترتیب رهبر حکومت در بحبوحه به زندان رفتن نوری، مهر تأیید بر عمل کسانی گذاشت که یکی از نزدیک ترین مشاوران رئیس جمهور را به اوین فرستاده اند.

واکنش نوع دوم، از خاتمی دیده شد. رئیس جمهور در دیدار با اعضای مجمع حزب الله مجلس، ضمن ابراز تاسف از حذف نوری از صحنه، خواهان «رعایت آرامش» و پرهیز از تشنج شد و ابراز امیدواری کرد وضع نوری در «مراحل بعدی رسیدگی» بهتر شود. آقای خاتمی نگفت در شرایطی که حکم نوری از سوی دادگاه غیرقابل تجدید نظر اعلام شده است، «مراحل بعدی رسیدگی» کدامند.

واکنش خاتمی، ناراضیاتی عمیقی را دستکم در میان طیفی از نیروهای مدافع دوم خرداد برانگیخته است، اما هرگاه توجه کنیم، این بار حتی بسیاری از اصلاح طلبان پیشرو در پرهیز از «اقدامات تند» و «رعایت آرامش» با آقای خاتمی همصدا شده اند، آنگاه درمی یابیم که نوع واکنش نسبت به اقدامات سرکوبگرانه جناح محافظه کار که دم به دم نیز هارتر و گستاخانه تر می شود، به یک بحث بسیار جدی برای همه کسانی که به سرنوشت اصلاحات و دموکراسی در ایران می اندیشند تبدیل شده است.

استدلال اصلاح طلبانی که «دعوت به آرامش» می کنند براین پایه استوار است که جناح محافظه کار عزم خود را بر سرکوب استوار کرده و از این رو نباید به آن امکان و فرصت داد مبارزه را به میدان بکشاند که خود می خواهد و به تعبیر آنان قتلگاه جنبش اصلاحات در ایران می تواند باشد. از این روست که آنان حتی از «تله نوری» صحبت می کنند و می گویند حکم سنگین علیه عبدالله نوری برای آن صادر شده است که جنبش دوم خرداد را به مقابله بکشاند و آن را سرکوب کند.

در این سخن و تحلیل هسته هایی از واقعیت هست. تردیدی نباید کرد که دشمنان آزادی، عزم خود را جزم کرده اند تا پیش از انتخابات مجلس ششم، ضربه کاری و فلج کننده را بر جنبش اصلاح طلبی در ایران وارد آورند و به تعبیری کار را یکسره کنند. آنان دنبال فرصت و بهانه برای آن هستند که نیروهای نظامی و سرکوبگر را به خیابان ها بریزند و رقاباتی را که در «رای» بازنده هستند، از طریق «سلاح» برنده شوند.

ادامه در صفحه ۵

خانم شیرین عبادی وکیل پرونده: عزت ابراهیم نژاد را پس از ضرب و جرح وحشیانه، به شهادت رسانده اند

شیرین عبادی پیرامون چگونگی به قتل رسیدن عزت ابراهیم نژاد گفت: مرحوم عزت الله روز جمعه به وسیله گلوله ای که شلیک شده کشته می شود. در پزشکی قانونی و معاینه جسد آثار ضرب و جرح در بدن وی دیده شده و در عکس هایی هم که نزد خانواده او موجود است، کاملاً مشهود است. اکنون این پرسش مطرح است که گناه این جوان معصوم چه بود که او را آن چنان وحشیانه کتک زدند و سپس به قتل رساندند؟ آیا آزادی خواهی آن چنان گناه بزرگی است که سزای آن داده و شکنجه کرده اند.

پس از آن که خانواده عزت ابراهیم نژاد، که در جریان حمله به کوی دانشگاه تهران به قتل رسید، اعلام کردند به علت مشکلات مالی قادر به گرفتن وکیل مدافع برای پیگیری قتل عزیز خود نیستند، خانم شیرین عبادی، حقوق دان مشهور کشور که وکالت پرونده قتل فروهرها را نیز به عهده دارد، داوطلبانه وکالت پرونده قتل عزت ابراهیم نژاد را نیز برعهده گرفت. شیرین عبادی در مصاحبه ای با روزنامه عصر آزادگان اعلام کرد: ابراهیم نژاد را پیش از مرگ وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار داده و شکنجه کرده اند.

عبدالله نوری از زندان اوین:

بر سر عقاید خویش با هیچ کس معامله نمی‌کنم و حسرت یک آخر را بر دلشان می‌گذارم

ادامه از صفحه اول
معامله نمی‌کنم و حسرت یک آخر را بر دلشان می‌گذارم. من سرباز و خادم مردم هستم و تا آخرین لحظه بر عهد خود با مردم پایدار خواهم ماند».

دادگاه ویژه روحانیت عبدالله نوری، مدیر مسئول روزنامه خرداد را به پنج سال زندان، پنج سال ممنوعیت فعالیت روزنامه‌نگاری و ۱۵ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرده است. در حکم این دادگاه آمده است: «رای دادگاه قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی است».

بر اساس حکم دادگاه، روزنامه خرداد نیز تعطیل شده است و اجازه انتشار ندارد.

ویژه روحانیت قابل تشخیص است. در حالی که از یک سو آزادی‌خواهان و بخش‌های پیشروتر جنبش اصلاح‌طلبی حکومتی، اساس دادگاه ویژه روحانیت را مورد اعتراض قرار داده و خواهان انحلال آن هستند، بخشی از اصلاح‌طلبان حکومتی اعتراض خود را متوجه رای صادره علیه نوری کرده و در عین حال می‌کوشند عدم موافقت خود را با دفاعیات نوری، که مورد تأیید پرشور بخش‌های پیشرو اصلاح‌طلبان قرار دارد، اعلام دارند.

تشکل‌های مختلف دانشجویی با صدور بیانه‌های مختلفی دادگاه ویژه روحانیت را محکوم کرده و خواهان لغو حکم آن علیه عبدالله نوری شده‌اند. دفتر تحکیم وحدت در بیانیه خود، از «سرکوب‌گری» این دادگاه سخن گفته است و اعلام کرده مراسم روز دانشجو را به دفاع از عبدالله نوری اختصاص خواهد داد. مسئولان این دفتر در صدد جمع‌آوری امضاء و تهیه طوماری به حمایت از عبدالله نوری و دفاعیات او در میان دانشجویان و دانشگاهیان هستند.

استدلال‌های دیگر مجمع روحانیون مبارز در اطلاعیه‌ای، عدم موافقت خود با دفاعیات نوری را علنی کرد و نوشت: «صدور کیفرخواست سیاسی دادستان دادگاه ویژه روحانیت که طبعاً پاسخ‌های سیاسی می‌طلبد باعث آغاز تشنج و التهابات تازه خواهد شد... اگرچه این به معنای موافقت با همه مواضع و اظهارات آقای نوری در دادگاه نیست».

هشدارهای مکرر و مخالفت مقامات دولت خاتمی و محافل بالای اصلاح‌طلب حکومتی، تاکنون مانع از آن شده است که

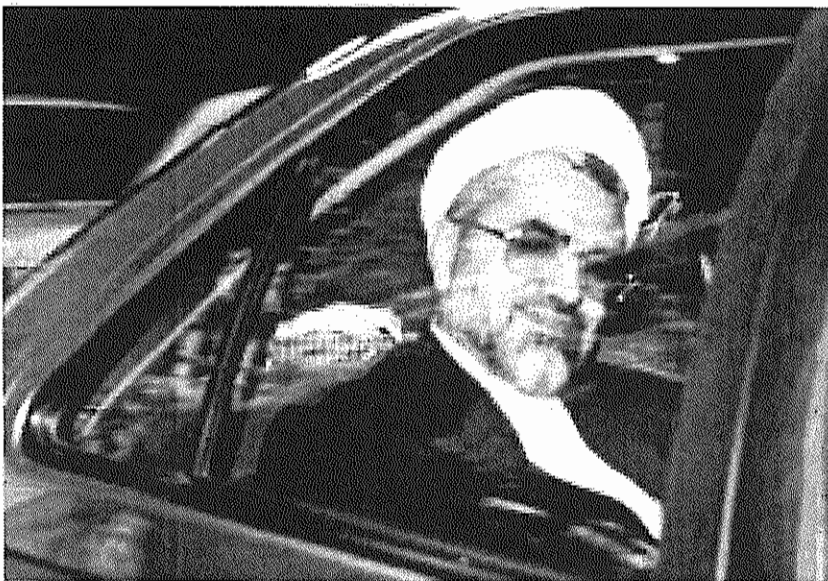
روایاتی بی‌سابقه!
زندانی کردن عبدالله نوری، موجب اعتراض نسبتاً بی‌سابقه در همه بخش‌های مردم شده است. دانشجویان، روشنفکران، روزنامه‌نگاران، مطبوعات، تشکل‌های سیاسی و بسیاری از روحانیون بلندپایه به حکم دادگاه روحانیت علیه عبدالله نوری و تعطیل روزنامه خرداد اعتراض کرده‌اند و دادگاه ویژه روحانیت در رسواترین موقعیت خود از زمان تشکیل تاکنون قرار گرفته است. در این اعتراضات سرعت عمل دادگاه ویژه روحانیت در زندانی کردن نوری با سیاست دفع‌الوقت قوه قضاییه در مورد قاتلان نویسندگان آزادی‌خواهان ایران و عاملان حمله به کوی دانشگاه مورد مقایسه قرار گرفته و سیستم قضایی جمهوری اسلامی بیش از پیش بی‌اعتبار شده است.

دو نوع اعتراض
با این حال دو نوع اعتراض در صف معترضین به حکم دادگاه

ادامه از صفحه اول
قتل‌ها به مانع برخورد کرده است و دامنه قتل‌ها بسیار وسیع‌تر از مواردی است که از سوی دستگاه قضایی اعلام شده است.

ناصر زرافشان که با روزنامه صبح امروز گفتگو می‌کرد، گفت: همان‌گونه که همه می‌دانند سعید امامی سالیان متداری معاون امنیتی وزارت اطلاعات بوده است و فردی در چنین سمت، کسی نیست که اعمال و اقداماتش از نظر سایر مسئولان بلندپایه کشور بی‌اهمیت و پنهان بوده باشد و آنان توجهی به اقدامات وی نداشته باشند تا بتوان قبول کرد که اعمال وی شخصی، فردی، خودسرانه و بی‌اطلاع دیگران بوده است. زرافشان گفت: حتی از رئیس مستقیم او یعنی کسی که قانوناً موظف بوده است بر کار او نظارت داشته باشد یک دور تحقیق نیز درباره او به عمل نیامد.

وکیل خانواده‌های مختاری و پوپنده افزود: آقای فلاحیان به اصطلاح رابع این روزها خود را به آقای هاشمی رفسنجانی سنجاق کرده تا در امان بماند و آخرین بیانه سازمان قضایی نیروهای مسلح هم حاکی است که سعید امامی و مصطفی کاظمی هسته مرکزی توطئه را تشکیل می‌دادند یعنی توطئه ماچرا از اینها بالاتر نمی‌رود! زرافشان گفت: اما دلایل و واقعیات موجود خلاف این موضوع را نشان می‌دهند. زرافشان تأکید کرد: نیروها و



دانشجویان، جوانان و سایر مردم بتوانند اعتراضات وسیع‌تر و موثرتری را صورت دهند. این هشدارها حتی تا سطح روزنامه‌نگاران پیشرو اصلاح‌طلبی نیز گسترش یافته است و روزنامه‌ها نیز همراه با مقامات، به ویژه دانشجویان را از اقدامات اعتراضی پرهیز داده‌اند. نهضت آزادی ایران نیز ضمن اعتراض به حکم دادگاه روحانیت، خواستار «حفظ آرامش» در جامعه شد. نهضت آزادی به ویژه از دانشجویان خواست «فرصت سوءاستفاده به آشوب‌طلبان ندهند».

در میان روحانیون بلندپایه و ایسته به جنبش دوم خرداد آیت‌الله منتظری، جلال‌الدین طاهری امام جمعه اصفهان، یوسف صانعی و موسوی اردبیلی، واکنش‌های تندتری نسبت به دادگاه ویژه روحانیت نشان دادند. آیت‌الله منتظری در یک گفتگوی تلفنی با خانواده

عبدالله نوری، دادگاه ویژه روحانیت را غیرقانونی خواند و گفت: محکومیت ایشان توسط دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت، نه تنها به زیان آقای نوری شد، بلکه باعث اعتبار او و کسب آبرو و استقامت روزافزون وی و همچنین روحانیت آزاداندیش است».

به نوری رای بدهید!
در حالی که حزب کارگزاران سازندگی ایران از پیش اعلام کرده بود در صورت محکوم شدن عبدالله نوری، نام او را از فهرست انتخاباتی خود حذف خواهد کرد و سایر احزابی که عبدالله نوری را در فهرست خود قرار داده بودند، هنوز در این مورد اظهارنظری نکرده‌اند، «ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران» اعلام کرد از مردم می‌شوند تا زمینه را برای انتخابات مجلس ششم به عبدالله نوری رای دهند.

مشکوک دیگر که از ابتدا مطرح بود نیست و کشتار مخالفان فکری و سیاسی یک خط مشی بوده که مدت‌ها دنبال می‌شده است. از سوی دیگر تا آنجا که اطلاع داریم متهمین این پرونده در همان مراحل اولیه تحقیقات یعنی در تحقیقاتی که از طرف کمیته پیگیری منتخب رئیس جمهوری و پیش از تحویل پرونده به قوه قضاییه انجام گرفته است علاوه بر قتل فروهرها، مختاری و پوپنده و چند مورد

کشتار مخالفان فکری و سیاسی

یک خط مشی بوده که مدت‌ها دنبال شده است

دیگری برای تحصیل - به مدرسه می‌رفتند به زیر خوراها خاک فرستاد آیا در این پرونده بر ملا شده است؟ وی در ادامه خواستار آن شد که مرجع قضایی مسئول با ریشه این قضیه برخورد کنند و افزود: این پرونده شاید حساس‌ترین پرونده تاریخ قوه قضاییه ایران باشد و کسانی که مامور رسیدگی به آن شده‌اند در برابر جهان و ملت ایران

مسئولیت خطیری دارند. پس چا دارد که با درک این مسئولیت اگر صاحبان قدرت مانع کار و دست بردن آنان به ریشه‌های این فساد هستند و اگر ماموران رسیدگی احساس می‌کنند اراده قدرت لازم را برای بازکردن راه تحقیق تا رسیدن به ریشه‌های این جریان ندارند اکنون که مقتضی قانونی هم برای صدور قرار عدم صلاحیت موجود است از این طریق خود و پرونده را از بن‌بست خارج کنند. دکتر زرافشان اضافه کرد: من مشخصات همه متهمان پرونده را نمی‌دانم اما اگر سایر متهمین نیز از پرسنال سابق وزارت اطلاعات حاجی‌زاده و پسر ده ساله‌اش - کارون - یاد کرد و گفت: آن دستان پلیدی که در سحرگاه ۳۱ شهریور سال گذشته با وارد آوردن ۳۷ ضرب چاقو پدر و کودکی را که بایستی فردای آن روز - یکی برای تدریس و

زرافشان ادامه داد: در بررسی‌هایی که ما برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با پرونده و تدارک دفاع در پرونده به عمل آورده‌ایم روز به روز دامنه ماجرا گسترده‌تر شد و به قتل‌های مشکوک بیشتری برخوردیم و برای ما روشن شد که موضوع صرفاً قتل فروهرها، مختاری و پوپنده و چند مورد

فدائیان اسلام ناب محمدی خطاب به خاتمی:

به زودی نمونه دیگری از

اجرای «حکم خدا» را خواهید دید!

چند روز بعد از اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مبنی بر کشف و دستگیری اعضای گروه نواب صفوی، این گروه در نامه‌ای خطاب به آقای خاتمی، وی را تهدید کرد که به زودی نمونه‌های تازه‌ای از «حکم خدا» را به اجرا خواهد گذاشت. سازمان قضایی نیروهای مسلح در اطلاعیه‌ای که در تاریخ ۲۶ آبان ماه گذشته منتشر کرد «فدائیان اسلام ناب محمدی (ص) - مصطفی نواب را عنوان جعلی و گمراه‌کننده پس‌مانده‌های باند فتنه‌گر و مفسد سعید امامی و مصطفی کاظمی» نامید که در جریان انفجار بمب در فلکه آب مشهد توسط نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شده و اکنون در بازداشت به سر می‌برند. اما یک ناشناس با تسلیم نامه‌ای در سالروز ترور فروهرها، به دفتر روزنامه خرداد، مدعی شد این گروه متلاشی نشده است و به قتل‌ها ادامه خواهد داد. در بخشی از این نامه که امضای «روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان فدائیان اسلام ناب محمدی» را دارد خطاب به رئیس‌جمهور آمده است: «جنابعالی را به روح بزرگمرد تاریخ معاصر، حضرت امام (ره) قسم می‌دهیم که به خاطر ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مورد محکومیت عبدالله نوری و شمس الواعظین

عبدالله نوری به پنج سال و شمس الواعظین به سه سال زندان محکوم شدند. آن دو نه بخاطر جرمی که مرتکب شده‌اند، بلکه بسبب دفاعشان از آزادی‌های سیاسی و حقوق مردم در بیدارگاه‌های قوه قضاییه محکوم گشتند.

عبدالله نوری به خواست محاکمه‌کنندگان تن در نداد و از عقاید و افکارش در دادگاه دفاع نمود و عملکرد بیست ساله جمهوری اسلامی را به نقد کشید. خواست برپاکنندگان دادگاه این بود که وی لب از لب نگشاید و ناگفتنی‌ها را بر زبان جاری نسازد. و با اینکه تنها به دفاع حقوقی بسنده کند، تا آنان رای بر برائت وی دهند. اما نوری دادگاه را به محاکمه برگزارکنندگان تبدیل کرد. به همین خاطر آنها نوری را محکوم کردند و روانه زندان ساختند.

آنها برای شمس الواعظین نیز جرم تراشیدند و بخاطر جرم مرتکب نشده به سه سال زندان محکومش کردند. او که سردبیر روزنامه توقیف شده جامعه، توس و نشاط و سردبیر روزنامه عصر آزادگان بود، بجهت دفاعش از آزادی‌های سیاسی و جامعه مدنی محکوم گشت.

نیروهای آزادی‌خواه! دادگاه عبدالله نوری و شمس الواعظین دادگاه تفتیش عقاید بود و آن دو بخاطر عقایدشان که با عقاید جناح حاکم تفاوت دارد، محاکمه و محکوم شدند. ما محکومیت آن دو را مغایر با حقوق بشر می‌دانیم و نیروهای آزادی‌خواه را فرا می‌خوانیم که به دفاع از آنها برخیزند و از مجامع بین‌المللی بخواهند که این اقدامات ضدانسانی دادگاه‌های قوه قضاییه را محکوم کنند.

ما خواستار آزادی عبدالله نوری و شمس الواعظین هستیم و به نظر ما باید هرچه سریع‌تر دادگاه‌های ویژه روحانیت برچیده شود و محکومین این دادگاه‌ها آزاد گردند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۳۷۸ آذر ۱۷

خامنه‌ای: دادگاه ویژه روحانیت قانونی و تصمیماتش عادلانه است!

● خاتمی: ما از وجود و توان و تجربه و قدرت آقای نوری محروم شدیم!

نارضایتی از عملکرد و رفتار رئیس‌جمهور را افزایش داد. در بسین گروهی از اصلاح‌طلبان رفتار آقای خاتمی بیش از پیش با رفتار رفسنجانی مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

همزمان با این موضع محافظه‌کارانه، سیدعلی خامنه‌ای در یک سخنرانی در برابر دانشجویان بسیجی از «قانونی» دادگاه ویژه روحانیت دفاع کرد و تصمیمات آن را «عادلانه» دانست و بطور کامل واضحی بر محکومیت عبدالله نوری از سوی این دادگاه صحه گذاشت. خامنه‌ای در پاسخ به سوالی پیرامون دادگاه روحانیت گفت: «دادگاه ویژه روحانیت، دادگاهی است درست، بسجا، قانونی و لازم. البته جنجال می‌کنند و اشکالاتی را وارد می‌کنند که اشکالاتی وارد و درست نیست. این دادگاه به جا و بموقع به وجود آمده و کارهای مهم و اساسی‌ای هم کرده است».

حکم ظالمانه دادگاه ویژه روحانیت علیه عبدالله نوری این انتظار را در جامعه تقویت کرد که آقای محمد خاتمی رئیس‌جمهور، با استفاده از حقوق خود و قول‌هایی که به مردم داده است، علیه سرکوب آزادی بیان و قلم و بسته شدن پی در پی روزنامه‌ها به طور موثری اعتراض کند و به دفاع از «مرد شماره دو» اصلاحات برخیزد. بسبب بی‌اعتبار شدن شخصیت‌های اصلاح‌طلب حکومت و روزنامه‌نگاران از رئیس‌جمهور خواستند، مطابق وظیفه خود، در برابر نقض گسترده حقوق شهروندان، «اخطار قانون اساسی» بدهد. از جمله این افراد علی حکمت سردبیر نشریه تعطیل شده خرداد بود که خواستار شد: «رئیس‌جمهوری از حقوق قانونی خود برای رفع محکومیت نوری استفاده کند».

اما آقای خاتمی به همه این تقاضاها بی‌اعتنا ماند و ترجیح داد که به روش همیشگی خود، یعنی چانه‌زنی در پشت‌پرده ادامه دهد. تنها سخن او در مورد محکومیت عبدالله نوری این بود که: «اولین مشکل این است که ما در جامعه از وجود و توان و تجربه و قدرت آقای نوری به عنوان همکاری خوب و تلاشگر و به‌درد بخور محروم می‌شویم». خاتمی در سخنان خود در مورد اعتراض به سرکوب آزادی‌ها و تعطیل روزنامه‌ها و محکومیت شمس الواعظین هیچ اظهارنظری نکرد. سخنان خاتمی نه تنها به انتظارات پاسخ نداد، بلکه

نامه‌ها و مقالات رسیده

ب. کیوان
رحمت‌الله حبیبی
اسفندیار طبری
● دوست عزیز نادر حبیبی! مقاله ارسال شما از طریق فاکس متأسفانه قابل استفاده نیست. لطفاً اصل مقاله را با ذکر شماره صفحات از طریق پست برای ما ارسال دارید.

آزادی، بی هیج حصر و استثناء!

ادامه از صفحه اول
نویسندگان ایران بودند که از میان آنان هوشنگ گلشیری، علی اشرف درویشیان، کاظم کردوانی، محمود دولت‌آبادی و سپین بهیانی به عنوان اعضای اصلی هیات دبیران انتخاب شدند و فریبرز ریس‌دانا، محمدعلی سپانلو، معصوم بیگی، ناصر زرافشان و ایرج کابلی به عنوان اعضای علی‌البدل برگزیده شدند. کاوه گوهرین و رضا چاچی به عنوان بازرسان کانون، جمشید برزگر به عنوان منشی و حافظ موسوی به عنوان صندوق‌دار در رای‌گیری انتخاب شدند.

بیانه هیات دبیران کانون

هیات دبیران کانون نویسندگان ایران، در نخستین بیانیه خود، نسبت به جریان سرکوب مطبوعات در جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرد. در این بیانیه آمده است: «کانون نویسندگان ایران که شان وجودی و تاریخی خود را دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم اعلام کرده و بیش از سه دهه در این راه مجاهدت ورزید است، وظیفه خود می‌داند نخست نسبت به تعطیل مجله آدینه که بیش از ۱۵ سال یکی از پایگاه‌های نشر فرهنگ نو بوده، اظهار تاسف کند. در این بیانیه «از لغو امتیاز روزنامه خرداد و نیز محکومیت شاه‌الله شمس‌الواعظین روزنامه‌نگار و سردبیر روزنامه تعطیل شده نشاط - که دفاع از حقوق مدنی و قانونی شهروندان ایرانی را شعار خویش قرار داده بودند» ابراز نگرانی شده و آمده است: «صرف‌نظر از تفاوت عقاید و افق‌های فکری خاص هر نویسنده یا هر مطبوعه‌ای، این بیم هست که به تعطیل کشاندن مطبوعات و سلب آزادی اهل قلم، جزو اتفاقاتی عادی شود.»

روزنامه‌های جدید جبهه دوم خرداد از راه می‌رسند

روزنامه آزاد خبر داد:

دست‌اندرکاران روزنامه خرداد نیز در جستجوی یک روزنامه جایگزین برای «خرداد» می‌باشند که اخیراً به حکم دادگاه ویژه روحانیت تعطیل شد. علی حکمت سردبیر خرداد شایعه انتشار روزنامه «صبح صادق» به جای خرداد را تکذیب کرد و گفت: قرار بود که هفته‌نامه دیگری تغییر نام دهد و از حالت استانی به حالت سراسری تبدیل و جایگزین خرداد شود که تاکنون این امر میسر نشده است. ما سر نوشت خود را با اراده هیات نظارت بر مطبوعات گره نمی‌زنیم و اگر در بازار روزنامه‌های باشد که بتوانیم با او به توافق برسیم، روزنامه‌ای را منتشر خواهیم کرد. حکمت گفت تفکر حاکم بر خرداد باید راه خود را در جامعه ادامه دهد.

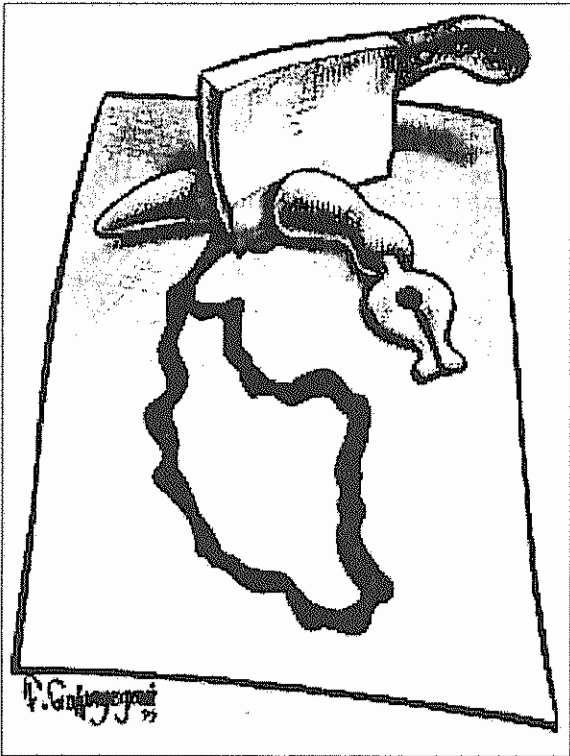
همچنین گفته می‌شود روزنامه «اخبار» نیز که چاپ آن ظاهراً به دلیل برخی مشکلات در سال گذشته متوقف شد، قرار است دوباره انتشار خود را از سر گیرد. روزنامه اخبار به مدیریت مسئولی احمد صفایی فر منتشر می‌شد. کادر تحریریه این روزنامه تغییر نخواهد کرد، اما در شیوه چاپ و روش‌های آن تغییراتی صورت خواهد گرفت.

«حیات نو» روزنامه دیگری است که قرار است توسط هادی خامنه‌ای به زودی وارد عرصه مطبوعات شود. خامنه‌ای پیشتر مدیر مسئولی روزنامه «جهان اسلام» را بر عهده داشت که امتیاز این روزنامه به مجمع نیروهای خط امام واگذار شد. «حیات نو» مشی روزنامه جهان اسلام را دنبال خواهد کرد. کادر اصلی روزنامه سلام قرار است روزنامه «مشارکت» را منتشر کند. روزنامه مشارکت از نظر فکری به جبهه مشارکت ایران اسلامی نزدیک بوده اما ارگان آن نخواهد بود. محمدرضا خاتمی مدیر مسئول روزنامه مشارکت و برخی از اعضای سردبیری سلام، مسئولیت اداره این روزنامه را برعهده خواهند داشت.

نخستین روزنامه «چند صدایی»؟

در این میان خبر می‌رسد که به زودی نخستین روزنامه «چند صدایی» در ایران به نام «ملت» منتشر خواهد شد. صاحب‌امتیاز این روزنامه سعید حقی، مدیر مسئول آن فاضل مثبت همدانی خواهد بود و سردبیری آن نیز برعهده بابایی از اعضای دفتر تحکیم وحدت می‌باشد. این

روزنامه در نیمه دوم ماه رمضان بر روی کیوسک‌های مطبوعاتی قرار خواهد گرفت. اعضای این روزنامه از فعالان دفتر تحکیم وحدت می‌باشند. بابایی عضو دفتر تحکیم وحدت در این رابطه به خبرنگار «آزاد» گفت این روزنامه، اولین روزنامه چندصدایی ایران خواهد بود و امیدواریم به این شعار پایبند باشیم. وی افزود: کادر این روزنامه تفلیقی از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و با سابقه مطبوعات و مخاطب آن بیشتر توده‌های جوان، دانشجو و دانش‌آموز جامعه هستند. این روزنامه برای بخشی از دانشجویان بصورت رایگان ارسال خواهد شد. بابایی گفت: روزنامه ملت، ۲۴ صفحه‌ای است و قسمتی از آن بصورت رنگی چاپ می‌شود. این روزنامه با کمترین قیمت، حدود ۲۰ تومان، با یک شبکه توزیع جدید دانشجویی به سراسر کشور ارسال خواهد شد. وی با اعلام این خبر که این روزنامه چاپ آزمایشی خود را از شنبه هفته آینده آغاز می‌کند افزود: روزنامه ملت به طور همزمان در تهران، مشهد، شیراز و کالیفرنیا منتشر می‌شود.



نامه جمعی از بازاریان تهران به رئیس‌جمهور قتل مشکوک آقای فتاپور را پیگیری کنید!

جمعی از بازاریان تهران با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور، خواهان رسیدگی به قتل آقای حسن فتاپور شدند. در این نامه آمده است: دست‌آمران بار دیگر از استین بیرون آمد و انسانی شریف، بزرگوار و خیر را سبعمانه به کام مرگ فرستاد. صنف عطار و سقطفروش بازار که سال‌های متمادی شاهد خدمات صادقانه، خالصانه، بی‌شائبه و زاهدگونه مرحوم حاج حسن فتاپور بوده‌اند، هم اکنون وجود خیر و یاری‌کننده این انسان بزرگ و والا را در جمع خود نمی‌بینند. باشد تا در میزان عدل الهی به این عمل جنایتکارانه پاسخ داده شود. در ادامه این نامه آمده است: بازاریان تهران و ملت شریف ایران که بارها شاهد این گونه اعمال وحشیانه و خیانتکارانه عمال بیگانه بوده‌اند، از مقام محترم ریاست‌جمهوری خواستار اتخاذ تدابیر لازم جهت افشا و سزای اعمال مرتکبان این قتل‌ها را داشته و دارند تا مرهمی برای بازماندگان آن خادم درگاه الهی باشد. آقای حسن فتاپور، پدر رفیق مهدی فتاپور عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ماه پیش در برابر خانه‌اش توسط افراد ناشناسی به قتل رسید. مقامات مسئول تایید کرده‌اند که سرقت انگیزه این قتل نبوده است.

کرده‌اند. گفتگوهای آغاز شده در تهران موجب روشن شدن ابهامات و سو تفاهماتی که دشمنان ما با طرق و بهانه‌های گوناگون ایجاد کرده‌اند، گشته و حسن تفاهمی میان خلق آذربایجان و ایرانیان خارج از آن (خارج از آذربایجان) بوجود آورده است. این حسن تفاهمات علیرغم تلاش‌های مذبحخانه مرتجعین داخلی و خارجی روز بروز عمیق‌تر می‌گردد و نتایج مثبتی می‌دهد. در چنین شرایطی هیاهوی خارجیان و تلاش آنان برای تبدیل این مسئله ساده به یک مسئله جهانی، جز هدفی پنهانی علیه ایران چیز دیگری نمی‌تواند باشد. در این میان رادیوی ترکیه بیشتر از دیگران برای خرابکاری در روندها حرارت به خرج می‌دهد. لحن این رادیو ما را جدا به فکر وامی‌دارد. کسانی که تا دیروز از وارد هیچ تهمت و افتزایی به ما ابا نمی‌کردند، امروز می‌کوشند با معرفی آذربایجان به عنوان یک دولت مستعقل و بسا دروغ‌پردازهای گوناگونی در باره انتشار نهضت ما در سراسر ایران، افکار جهانیان را تیره سازند. ما در همان روزهای آغاز جنبش دمکراتیک‌مان نوشته بودیم که: «دهان افسندی‌های عثمانی بیهوده آب نیفتند. از این نمد برای آنها کلاهی نمی‌شود». آذربایجان هر چه هم که بخواد به شرط ماندن در داخل ایران می‌خواهد. بالاخره ما به هر زبان که سخن بگوییم، هر هدفی داشته باشیم، بر اساس ایرانی

جهانی اینترنت به جهت تئور افکار عمومی پخش خواهیم نمود و متضرر اصلی شخص جناب‌عالی، به دلیل سو مدیریت‌تان بر حوزه‌های تحت نظارت آنان خواهید بود.

اسلام محمدی در پایان نامه خود نوشته‌اند «به دلیل کوتاهی مسئولان امر، به زودی نمونه دیگری از اجرای حکم خداوند به دست فرزندان اسلام ناب را خواهید دید».

به زودی نمونه دیگری از اجرای «حکم خدا» را خواهید دید!

به وزیر محترم اعلام کنید که هر روی قسمت‌هایی از جسد مرحوم حاج سعید اسلامی، آثار کتبخانه بوده است» در ادامه این نامه آمده است: «در غیر این صورت ما با مناقصه‌فشان طبق نص صریح قرآن

به مناسبت سالگرد ۲۱ آذر برای شناخت بیشتر از جعفر پیشه‌وری

شوروی، نشستی در پاکو از رهبران فرقه دمکرات آذربایجان ایران و رهبری حزب کمونیست جمهوری آذربایجان برگزار می‌شود که موضوع آن جمع‌بندی پیرامون علل شکست این جنبش بود. باقراوف دبیرکل حزب کمونیست آذربایجان در جمع‌بندی خود گفت: علت شکست این جنبش، دل‌بستگی‌های رهبری فرقه به عقبه ایران و کم‌توجهی آن به ملت آذربایجان بود؛ و پیشه‌وری، درست در نقطه مقابل باقراوف، این جمع‌بندی را داد که: دلیل شکست ما، همانا کم‌توجهی ما به کل مصالح جنبش دمکراتیک ایران و دیگر هموطنان ایرانی بود؛ و در پی همین نشست هم بود که پیشه‌وری در یک سانحه ساختگی اتومبیل جان باخت؛ ما به مناسبت سالگرد جنبش ۲۱ آذر و نشان دادن تصویری واقعی از پیشه‌وری، در این شماره از نشریه کار، بخشی از مقاله این کوشنده بزرگ راه آزادی و عدالت مردم آذربایجان و ایران را که به تاریخ ۹ خرداد ۱۳۲۵ در شماره ۲۱۲ روزنامه آذربایجان (ارگان فرقه دمکرات آذربایجان) انتشار یافته و اخیراً به همت آقای سیروس مددی ترجمه شده است به آگاهی خوانندگان می‌رسانیم. پیشه‌وری روانشاد این مقاله را «با عنوان «نظر ما در باره آذربایجان و ایران» نوشته بود: «همزمانی جنبش ملی

پایگاه امپریالیسم در دوره جنگ سرد را به یک «افتخار» بزرگ بدل کنند. اما رژیم شاه و حامیان وی در این تصویرسازی، به هیچ‌وجه تنها نبودند. اگر شوینسم رژیم شاه تنها تحریف‌کننده این جنبش و آمریکا و انگلستان یگانه نقالن این حدیث بودند، تبلیغات آنها علیه جنبش ۲۱ آذر قطعاً در طول زمان به ضد خود بدل می‌شد. واقعیت آنست که روحانیت و نیروهای مذهبی منتقد چه در آذربایجان و چه در سراسر ایران، به دلیل نفرت و وحشتی که از خصلت دموکراتیک، ترقیخواهی و عدالتخواهانه این جنبش داشتند، هم از مقطع خود این جنبش و هم بعدها، رژیم شاه و حامیان او را همراهی کردند و حتی پس از برچیده شدن بساط دستگاه سلطنت پهلوی، خود رسا این رسالت ادامه دادند و همچنان هم آنرا ادامه می‌دهند. اما نیروهای مسموم به میلیون نیز در پرخورد تاریخی با جنبش ۲۱ آذر هیچگاه نتوانستند مرز روشنی خود با حکومت خودکامه شاه و روحانیت مرتجع بکشند. این نیروها که به راستی برای استقلال واقعی ایران مبارزه کرده و برای آزادی و دموکراسی در ایران کوشیده‌اند، متأسفانه جنبش ۲۱ آذر از همان دوربینی رسد کردند که رژیم شاه بدست آنها داده بود. و بالاخره باید به چهارمین گرایش تاریخی ایران یعنی چه اشاره کرد که تنها تصویرگر واقعی این جنبش بوده است. اما بخش‌های مختلف چه ایران نیز، هم به علت تحت سرکوب بودن همیشگی و هم به دلیل برخی اشتباهات فکری و

در تاریخ معاصر ما، هیچ جنبشی مانند جنبش ۲۱ آذر قربانی سکوت و تحریف قرار نگرفته است. تصویر این جنبش در ذهن بخش عظیمی از مردم ایران و حتی خود آذربایجانی‌ها، عبارت از سناریوی سازمان‌یافته‌ای است که مطابق آن دولت وقت شوروی قصد داشته توسط عوامل خود در ایران و آذربایجان ایران، «غناثه» بسایزیند و آذربایجان را از ایران جدا کند. در این تصویر القایی، هیچ خبری از جنبش اجتماعی زحمتکشان و بی‌روزه دهقانان آذربایجان علیه استعمارگران در میان نیست، مطلقاً سخن از جنبش فرهنگی و خواست‌های عادلانه ملی مردم آذربایجان گفته نمی‌شود، کمترین اشاره به اهداف و برنامه‌های دمکراتیک کوشندگان و بخش عمده رهبری این جنبش برای سراسر ایران این عمل نمی‌آید، و خدمات این جنبش ملی و دمکراتیک در دوره حاکمیت کوتاه یک‌ساله آن کاملاً مسکوت می‌ماند. این تصویر القایی با واژگان سخنی چون «اقدام متجاسرین» و «وطن‌فروشان» و «تجزیه‌طلبان» به خورد نسل‌های بعدی داده شده است. مسئولیت اصلی در آفرینش و ارائه این تصویر البته با رژیم شاه و حامیان غربی آن بود که سی و اندی سال تمام با همه قوا کوشیدند تا این جنبش اجتماعی و ملی را در اذهان عمومی و نسل‌های بعد از جنبش ۲۱ آذر کاملاً مسموم سازند و از این طریق جنایت خود علیه این جنبش و تبدیل کشور ما به

وزارت اطلاعات از انهدام یک گروه تازه خبر داد

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرد که یک گروه تروریستی به نام «مهدویت» را شناسایی و متلاشی کرده است. براساس اطلاعاتی این وزارتخانه «به دنبال پاره‌های اقدامات ضدامنیتی انجام گرفته توسط یک جریان انحرافی تحت پوشش مقدس «مهدویت»، وزارت اطلاعات طی سلسله فعالیت‌های اطلاعاتی با همکاری موثر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تسهیلات قانونی سازمان قضایی کشور، موفق به شناسایی و دستگیری کلیه دست‌اندرکاران این جریان منحرف و ضد امنیتی در داخل و خارج کشور شد». وزارت اطلاعات افزوده است: «یک روحانی منحرف که سابقه محکومیت در دادگاه ویژه روحانیت نیز داشته است، با برخورداری از تحصیلات دینی در خارج از کشور و استیلا در شهر مشهد ایران از سال ۱۳۵۵، به واسطه انحرافات شکل گرفته در شخصیت فردی، اقدام به تحرکات قابل توجهی در راهاندازی یک جریان فکری با محوریت خود می‌کند. نامبرده از محدود شدن در یک مجموعه صرفاً اعتقادی اکتفا نکرده و طرح تاسیس یک گروه مخفی و مسلحانه را در دستور کار خود قرار می‌دهد». در این اطلاعیه در مورد اهداف و اقدامات این

برای متلاشی کردن این شبکه مافیایی اراده ملی لازم است

اطلاعیه وزارت اطلاعات پیرامون گروه مهدویت، نه تنها پرسشی از هزاران پرسش پیرامون شبکه پیچیده و تو در تو باندهای سپاه مافیایی و رابطه آن‌ها با نهادهای رسمی قدرت را پاسخ نگفته است، بلکه بر ابهامات بیشتر افزوده است. ارتباط این گروه با «باند سعید امامی»، رابطه‌اش با گروه فدائیان اسلام و سرخ‌های واقعی آن همه ناگفته گذاشته است. بیانیه وزارت اطلاعات به ویژه در مورد ترور رفسنجانی، خاتمی و یزدی از سوی این گروه، به گونای تنظیم شده است که شایعه وابستگی این گروه‌های مافیایی به یک جناح قدرت را خنثی کند. وزارت اطلاعات با معرفی سه تن از سرکردگان جناح‌های حکومت، خواسته است به مردم القا کند این گروه‌ها که اکنون هراز چندی خبر انهدام یکی از آنها داده می‌شود، ربطی به هیچ جناحی در حکومت ندارند و با همه «نظام» و همه جناح‌های آن مخالفتند. اما نیک پیداست این گروه‌های تروریست و جنایتکار با حمایت باندها و محافلی در وزارت اطلاعات و رده‌های تعیین‌کننده نیروهای مسلح و لایه‌های بالایی قدرت تشکیل شده‌اند و بدون آن، دست‌کم امکان دوام و بقای آن‌ها وجود نداشته است. اکنون پرسش هراس‌انگیز این است که کسی مانند سعید امامی در مقام معاونت امنیتی وزارت اطلاعات و کسان دیگری مانند او که هنوز نام و نشان آن‌ها معلوم نشده است چند تا از این گروه‌ها را به مانند مارهایی سمی پرورش داده و در گوشه و کنار جامعه رها کرده‌اند؟

هر چه زمان بیشتر می‌گذرد و هر اطلاعی که پیرامون این فعالیت‌های مافیایی بیرون داده می‌شود، بیشتر معلوم می‌شود سر همه این باندهای سپاه به هزار توی وزارت اطلاعات و سایر نهادهای قدرت وصل است و آنان در طول سال‌ها چنان شبکه وسیع و متنوعی را تدارک دیده‌اند که تنها یک اراده قاطعانه برای افشا و مجازات آن‌ها می‌تواند ریشه‌های این سیستم پیچیده جنایت و ترور را بخشکاند. چگونگی برخورد وزارت اطلاعات با همین گروه مهدویت خود نمونه روشنی از این ادعاست. در حالی که حتی هواداران گروه‌های مخالف رژیم سالیان سال تحت شدیدترین شکنجه‌ها و بازداشت‌ها قرار گرفته‌اند، هیچ معلوم نیست به چه دلیل ۲۰ نفر از اعضای یک شبکه تروریستی از سوی مقامات امنیتی کشور آزاد شده‌اند. در حالی که روزنامه‌نگاران را به «جرم» تهدید علیه امنیت ملی به زندان می‌افکنند، چرا اعضای گروه تروریستی را بدون محاکمه آزاد می‌کنند؟ به اعتقاد ما عملکرد قوه قضاییه، وزارت اطلاعات و سایر نهادهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی به هیچ روی در جهت خشکاندن ریشه‌های شبکه پیچیده ترور و جنایتی که از سوی خود این نهادها پروراند شده است، نیست. مقابله با این پدیده مخوف باید به یک کمیته تحقیق بی‌طرف زیر نظارت مستقیم نهادهای دموکراتیک نظیر مطبوعات، تشکل‌های دانشجویی و روشنفکران سپرده شود. □

شورای مرکزی جدید دفتر تحکیم و وحدت انتخاب شد

نشست سالانه اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان در دانشگاه امیرکبیر تهران با انتخاب شورای مرکزی جدید دفتر تحکیم وحدت به کار خود پایان داد. بنا به گزارش روزنامه‌های تهران علیه‌رضا افشاری از دانشگاه امیرکبیر، نیما فاتح از شیراز، رضا جنتی از دانشگاه تهران، مهدی منوچهری از مشهد، هادی طباطبایی از تبریز، ابراهیم شیخ از دانشگاه بهشتی و اکبر عطری از دانشگاه علامه طباطبایی، اعضای جدید شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت می‌باشند. □

تاسیس «بنیاد کار» از سوی برخی از فعالین کمونیست جنبش کارگری

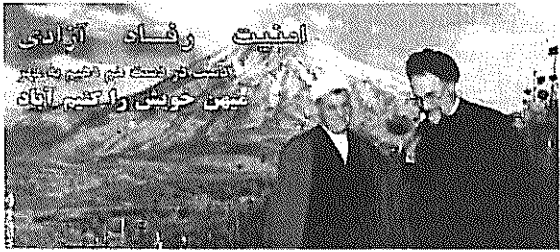
گروهی از فعالین کمونیست جنبش کارگری در جریان کنفرانسی که در روزهای ۱۹ تا ۲۱ نوامبر در لندن برگزار کردند، تشکلی به نام «بنیاد کار» برای دفاع از حقوق کارگران ایران تشکیل دادند. کنفرانس فعالین کمونیست تحت عنوان «بررسی تحولات بیست ساله اخیر در جنبش کارگری و وظایف ما» و با شرکت گروهی از فعالین تبعیدی جنبش کارگری مستقیم در کشورهای اتریش، آلمان، انگلستان، دانمارک، سوئد، فرانسه، کانادا، نروژ و هلند برگزار گردید. در اطلاعیه مطبوعاتی تاسیس «بنیاد کار» آمده است: «در شرایط کنونی طبقه کارگر ایران که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم است. بخصوص کارگران زن در بدترین شرایط و موقعیت ناخنجار اقتصادی و اجتماعی و با استثمار مضاعف روبرو هستند. میلیون‌ها کودک کارگر بجای برخورداری وی و قتل یک نفر شد. وزارت اطلاعات افزوده است: «کلیه افراد دستگیر شده این گروه تعداد ۳۴ نفر بوده‌اند که ۲۰ نفر از آنان بعد از تحویل به مراجع قضایی و با انجام مراحل قانونی آزاد شده و ۱۴ نفر از عوامل اصلی در بازداشت به‌سر می‌برند. □

جمع آوری امضا در حمایت از دانشجویان دربند

جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن، اعلام کرد هزمان با سالروز روز جهانی دفاع از حقوق بشر، به جمع آوری امضا در حمایت از دانشجویان دربند ایرانی اقدام کرده است. جمع آوری امضا به مدت یک هفته تا روز ده دسامبر ادامه خواهد داشت. به گزارش این جمعیت، در نخستین روز جمع آوری امضا، فعالین این جمعیت در حالی که پلاکاردهایی بر روی سینه‌های خود نصب کرده بودند که بر روی آن‌ها نوشته شده بود: «به یاری دانشجویان آزادی‌خواه دربند در ایران

در «آرامش» هم می‌توان باخت!

ادامه از صفحه اول
اما در استدلال اصلاح‌طلبان از لزوم پرهیز از اقدامات توده‌ای و بسیج‌گر، یک نکته ناگفته می‌ماند: همه هراس، از سرکوب جنبش به دست دشمنان آزادی نیست، بخشی از این هراس به نتایجی برمی‌گردد که هیچ‌ده تیر داشسته است. اصلاح‌طلبان حکومتی دریافته‌اند جنبش‌های مردمی را نمی‌توانند کنترل کنند و هر حرکت اعتراضی می‌تواند به سوسرت رادیکالیزه شود و خواست‌هایی را به میان بکشد که فراتر از خواست‌های اصلاح‌طلبان حکومتی است. این هراس نیز از هشدار مداوم آنان در خصوص پرهیز از اقدامات «اشوبگرانه» تأثیرات جدی دارد. اما آیا به راستی اقدامات تعرضی می‌تواند زمینه‌ساز سرکوب گردد؟ پاسخ هم آری است و هم نه! اگر این اقدامات از سوی محافل قدرتمند اصلاح‌طلبان، و به ویژه آقای خاتمی، بدون پشتیبانی بماند، این خطر وجود دارد که دشمنان آزادی دانشجویان، روزنامه‌نگاران و سایر افشار مردم را که به حمایت از عبدالله نوری، شمس‌الواعظین و دگرناسدیشان بومی می‌زنند، بی‌رحمانه سرکوب کنند و جنبش اصلاح‌طلبی در ایران را موقتا سرکوب کنند. اما اگر آقای خاتمی به پشتیبانی از اقدامات آزادی‌خواهانه برخیزد، بسیار دشوار است بتوان به راحتی جنبش را سرکوب کرد. از این جاست که نقش رئیس‌جمهور در شکل‌دادن به مسیر تحولات در ایران برجسته است. این حقیقت، شیرین نیست، اما به دلیل سرکوب احزاب سیاسی در ایران و عدم وجود تشکل‌های مردمی، هنوز سرنوشت جنبش تا حد بسیاری به اقدامات سران اصلاح‌طلب حکومت و به ویژه



حزب کارگزاران سازندگی در یک فراخوان سراسری عضو می‌پذیرد! این تصویر، همراه با تراکت تبلیغاتی حزب کارگزاران سازندگی در مطبوعات ایران منتشر شد. بازار انتخابات روز به روز گرم‌تر می‌شود. جدی‌ترین رقیب، عبدالله نوری، در زندان است. رفسنجانی در کنار زند «وقیبه» نقش داشته است. کارگزار واقعی، سیاست «چراغ خاموش» را کنار گذاشته است. استفاده از محبوبیت رئیس‌جمهور تنها یکی از ابزارهاست!

وحدت چه کسانی علیه چه کسانی؟

وقوع حوادث طوفانی تیر ماه، تعمیق مطالبات اجتماعی در کشور، همراهی و همگامی بیشتر روشنفکران و روزنامه‌نگاران با مطالبات مستقل توده‌های مردم و در یک کلام پیشرفت جنبش دموکراسی در کشور، مصلحت‌اندیشی‌ها و نگرانی‌های بیشتری را در میان «دوستان نیمه راه» به ویژه بخشی از روحانیتی که خود را دوم خردادی معرفی می‌کند، موجب شده است. وحشت از پیشروی مداوم اندیشه‌های دموکراتیک و شکسته‌شدن «خط قمرها»، روحانیون حکومتی را واداشته است که علیرغم همه اختلافات، بار دیگر گرد هم آیند و سخن از «وحدت روحانیون» را تازه کنند. وحدتی که جز خاطره‌های تلخ و ناگوار در ذهن مردم چیزی را تداعی نمی‌کند و از همین روست که این تلاش‌ها، نگرانی همه آزادی‌خواهان، دموکرات‌ها و حتی مردم عادی را در ایران به همراه آورده است.

دومین دیدار دیرین سه گروه برجسته از روحانیون حکومتی در دو هفته گذشته، برای مردم به رویدادی قابل تأمل و پرسش‌برانگیز تبدیل شده است. تلقی عمومی این است که هدف از این گونه دیدارها، متحد ساختن گروه‌های روحانی حاکم در برابر جنبش اصلاح‌طلبی و دموکراتیک در ایران است و این تلقی اشتباهی نیست. مهدی کروبی که خود را اصلاح‌طلب می‌داند، مهدوی کنی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران را، که همین چندین پیش آن طور خشمگینانه به تهدید رئیس‌جمهور و جنبش اصلاح‌طلبی اقدام کرد، در برابر دوربین‌ها در آغوش کشید که چه چیزی را اثبات کند؟ که بگوید آن‌ها پیش از این که محافظه‌کار یا اصلاح‌طلب باشند، روحانی‌اند، و پیش از آن‌که روحانی باشند، صاحب قدرت‌ند و مصممند از قدرت خویش حراست کنند؟

پیام این اجلاس و این هماهوشی آشکار است. مهدی کروبی پیش از این نیز علایم هشداردهنده دیگری داده بود. حملات تند به آیت‌الله منتظری و دفاع از محروم ساختن وی از حقوق اجتماعی و شهروندی، از جمله آشکارترین این پیام‌ها بود. این پیام‌ها را بسیاری از اصلاح‌طلبان حکومتی نیز دریافته‌اند. بیهوده نیست که نام مهدی کروبی، دبیرکل مجمع روحانیون مبارز تهران، گروهی که خود را مدعی پیشانی جنبش اصلاح‌طلبانه دوم خرداد می‌داند، بیش از پیش به انتهای لیست‌های انتخاباتی برخی از گروه‌های دوم خرداد سقوط کرده و در برخی از این لیست‌ها به کلی حذف شده است.

آقای کروبی و همفکران او در مجمع روحانیون مبارز، باید برای مردم ایران توضیح دهند که وحدت روحانیون را در برابر چه چیزی و چه کسی تدارک می‌بینند؟ وحدت مورد نظر آنان وحدت روحانیون است، یا وحدت حاکمان؟ اگر سخن از وحدت روحانیون می‌گویند، پس چرا با آقای مهدوی کنی عکس یادگاری می‌گیرند و به آقای منتظری فحش می‌دهند؟ واقعیت این است که این وحدت، نه وحدت روحانیون، که وحدت روحانیون در قدرت، و نه حتی همه روحانیت در قدرت است. از یک سو آن دسته از روحانیون سنتی که از دوم خرداد فقط بازگشت به قدرت و مقامات و مناصب را می‌خواهند و جنبش مردم را وسیله‌ای می‌دانند که به کمک آن، رانده شدن خود از قدرت را جبران کنند، و از سوی دیگر روحانیونی که در قدرت هستند اما دریافته‌اند بدون شریک کردن رقیب قادر به حفظ این قدرت نخواهند بود، درصددند دوباره گرد آیند تا از قدرت و امتیازاتی که این قدرت به آنان بخشیده است، دفاع کنند.

رشد گرایش‌های لائیک و ملی در جامعه و به ویژه مطالبات نسل جوان، حضور بیشتر چهره‌های مستقل و بدور از الودگی، استقبال از روشنفکران دینی که قرائتی دیگر از اسلام دارند، محبوبیت روحانیون اصلاح‌طلبی چون آیت‌الله منتظری و عبدالله نوری که نشان داده‌اند سیادت روحانیت بر کشور و مردم را نمی‌خواهند، زمینه‌های نزدیکی بیش از پیش روحانیون محافظه‌کار دو سوی خط به یک‌دیگر را فراهم آورده است. اما این تلاش، تلاشی دیر هنگام است. وحدت روحانیون حاکم واقعیتی را تغییر نخواهد داد و تضادهای عمیق جامعه ما را درمان نخواهد کرد. شکاف بین استبداد و آزادی، بین مردم سالاری و «امریت» برجای خود باقی است، حتی اگر آقای مهدی کروبی، آقای مهدوی کنی را در آغوش بکشد! او نباید فراموش کند که حتی در مجمع روحانیون مبارز نیز نخواهد توانست همه را به دنبال خود بکشد، زیرا در آن جا نیز روحانیونی هستند که توسط دوستان آقای کنی، به زندان و محرومیت از حقوق اجتماعی خود محکوم شده‌اند! □

با کنگره‌های نالری شروع

تا را در انجام وظایف

نار و دموکراتیک پاروع لائیک

دفاع کنند!

مهمترین اهداف انقلاب بهمن

انقلاب بهمن که به عمر استبداد سلطنتی پایان داد، ادامه منطقی حرکتی بود که از اوایل قرن بیستم آغاز و می‌خواست وظایف انجام نشده و به تأخیر افتاده انقلاب ملی - دمکراتیک را در ایران انجام دهد. اهم انتظارات نیروهای ترقیخواه از انقلاب بهمن را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- نیاز جامعه ما، استقرار یک حاکمیت ملی - دمکراتیک بود، که بتواند کشور را با استقرار آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به سوی یک جامعه مدنی رهنمون کند. امنیت سیاسی، قضایی، اداری و فرهنگی را برای تمام اقشار ملت ایران به ارمغان آورده و حریم امنیت و آزادی را وسیعتر کند. توسعه سیاسی و پیش‌شرط‌های لازم و ضروری برای نیل به توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را فراهم آورد.
- شرایط کافی را برای یک توسعه مترقی پایدار فراهم، وضع اقتصادی را بسود اقتصاد ملی کشورمان تغییر داده و امکانات ضرور برای ارتقاء سطح تکنولوژی را تأمین و تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و فرهنگی کشور پدید آورد.
- فرایند تغییر و نوآوری همه ابعاد زندگی اجتماعی را دربرگیرد و تحولی عمیق و بنیادین در بینش، دانش، مهارت‌ها و اخلاقیات و مناسبات میان مردم در جهت همسویی و هم‌گامی با کاروان تمدن بشری پدید آورد.
- آنان انتظار داشتند که انقلاب در مسیر دسترسی به آموزش و پرورش، رفاه اجتماعی، بهره‌مندی از سطح زندگی شایسته و آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حرکت کرده، حقوق انسانی را تضمین و فرصتهای کافی برای خلاقیت و تولید مادی و معنوی در جامعه فراهم کند و حیثیت و منزلت اجتماعی انسان محترم‌شده شود.
- کل جامعه و نظام اجتماعی را بطور مداوم بسوی زندگی بهتر و انسانی‌تر پیش برده، بقایای مناسبات عسیره‌ای و فئودالی و پدربسالاری را تغییر، اقتصاد را از یک مرحله سنتی - معیشتی - روستایی، منطقه‌ای و تک محصولی، به مرحله‌ای عقلانی، صنعتی، شهری و ملی همراه با تحرک کارآمد عوامل تولید با برتری یک ساختار عمدتاً صنعتی دگرگون و پایه‌های مادی استقلال اقتصادی در ادامه استقلال سیاسی را که یکی از شعارهای اصلی انقلاب بود، تحقق بخشد.
- همه ملت ایران صرف‌نظر از وابستگی‌های قومی، مذهبی و جنسی در برابر قانون اساسی کشور برابر بوده و حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی در یک جامعه آزاد و دمکراتیک به آنان اعاده گشته و محترم‌شده شود.
- امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به طور عادلانه در سراسر میهن تقسیم گشته و از تمرکز ثروت در بخشی از کشور و نیز از تمرکز فقر در بخشهای دیگر آن خودداری گردد.
- سیاست در رشد و توسعه اقتصادی مملکت در پیش گرفته شود که بتواند ضمن تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور در جهت گسترش عدالت اجتماعی در میهن‌مان و پایان‌دادن به بی‌کاری، بی‌مسکنی و فقر موجود در جامعه حرکت کند.
- با تغییر ساختار سیاسی جامعه و ایجاد ثبات اقتصادی اجتماعی مجموعه شرایطی بوجود آورد که ایران بتواند در صحنه سیاست جهانی حضور مثبت و نیرومند داشته و با اتخاذ یک سیاست خارجی منطقی و اصولی منسجم و پایدار در عین حال انعطاف‌پذیر نه تنها باعث افزایش حیثیت بین‌المللی ایران و ایرانی شود، بلکه امکان رشد و ترقی و توسعه همه‌جانبه میهن‌مان از طریق همکاری با سایر ملل جهان بر پایه احترام به منافع متقابل فراهم گردد.
- با پیروی از سیاست مسالمت‌آمیز با سایر ممالک دنیا همراه با دیگر نیروهای صلحدوست جهان برای تقویت بنیان‌های مادی و معنوی صلح در دنیا بکوشد.

انقلاب در مسلخ بنیادگرايي!

۱ - با تصویب قانون اساسی پس‌مانده‌های آداب و رسوم نظام فئودالی و روحانیون بنیادگرا بر سر کشور حاکم کرده و جامعه ما را به قهقرا بردند. طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که از سوی خمینی ارائه شد بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، ستون اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار گرفت. بنیادها و نهادهای سیاسی کشور بر اساس سوزازین اسلامی و برداشت مکتبی از آن سازمان‌دهی شد و «صالحان» عهده‌دار حکومت و اداره مملکت گشتند: «در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت مسی‌گردند (ان الارض یسئونها عبادی الصالحون) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین انتظار دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزکار و مستبعد (فقهای عادل) امری محتم و ضروری است.» نقل از مقدمه قانون اساسی تحت عنوان شیوه حکومت در اسلام، صفحه ۱۹.

بدین ترتیب قانون‌گذاری، که بیانگر ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت شکل گرفت و الیگارش‌ی روحانیت را بعنوان ابزاری محتم و ضرور بر جامعه مسلط گردانید.

۲- طبق قانون اساسی حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداوند و بر اساس بازگشت به بنظر به باستانی حق الهی حکومت، موضوع حکومتگری

برای دموکراسی و عدالت اجتماعی

حشمت رئیسی - ماشالله سلیمی

من موقعی می‌توانم با پدیده‌های انسانی برخورد کنم که خود پدیده با مردم انسانی رفتار کنند. (کارل مارکس)

بخش پایانی

۶- تسلط سرمایه بر ایران به معنی تسلط کامل مناسبات سرمایه‌داری (جامعه مدنی) بر ایران نیست. این مساله که جامعه ما از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی در ملت‌های دو عصر تاریخی و در مرز بین دو نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت به سر می‌برد، دارای اهمیت فراوان است.

تجارت سنتی و روحانیون بنیادگرا را که به لحاظ اقتصادی، سیاسی - فرهنگی متعلق به دوره ماقبل سرمایه‌داری هستند با بورژوازی صنعتی وابسته و تکنوکرات‌ها و بورکرات‌های عصر پهلوی نمی‌توان هم‌نهاد قرار داد، همانطور که امروز راست سنتی و راست مدرن متعلق به دو دوران تاریخی متفاوت بوده و ماهیتاً با هم تفاوت دارند. آنچه سنت و مدرنیسم را از هم جدا می‌کند از همین نقطه آغاز می‌شود و تضاد بین این دو جریان یکی از کانون‌های سبزه تاریخی است. این تضاد، در واقع تضاد بین دو فرمایون تاریخی و تضاد دو اقتصاد و فرهنگ است. صاحبان سرمایه‌های تجاری - سنتی متعلق به شیوه تولید بورژوازی نبوده و در تضاد آشکار با پروسه تولید صنعتی و بورژوازی قرار دارند. این خود یکی از علل اصلی ناهنجاری و بحران در اقتصاد حاکم بر کشور است. بنابراین مخالفت تجار سنتی و روحانیون بنیادگرای حامی آنان بر علیه اصلاحات عصر پهلوی و رژیم دیکتاتوری شاه از موضع و زاویه‌ای کاملاً ارتجاعی و عقب‌مانده صورت می‌گرفت، از این‌رو در مدت تسلط ۲۰ ساله این نیرو بر حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور، ساختار سرمایه‌داری صنعتی (وابسته) بشدت تضعیف گردیده و در عوض سرمایه تجاری سنتی با مسضمون و شکلی وابسته‌گرا، ناهنجاری‌ها و پیامدهای هولناک اقتصادی، در غیرمولدترین و فاسدترین نوع مسکن خود، جایگزین ساختار سرمایه‌داری متعادل به رشد و توسعه گردید و در تمام عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی میهن ما را به قهقرا کشانید. گرانی، بی‌کاری، بی‌مسکنی دامنه بیسابقه‌ای یافت و وضع زندگی زحمتکشان برآمات بدتر از دوران رژیم سابق شد و فاصله طبقاتی عمیق‌تر گشت.

۷- در رابطه با حقوق زنان نه تنها تقریباً تمام دستاوردهای مثبت مبارزات آنان در رژیم گذشته پایمال شد، بلکه با تصویب قوانین جزایی نظیر سنگسار، واگداری حق نگهداری اولاد به مردان، حق وراثت، دیه، حجاب اسلامی و ... روحانیت توانست ست‌های بربرمنشانه دوران اولیه اسلام را در مورد آنان جاری و ساری کند.

۸- در عرصه بین‌المللی با طرح شعار «صدور انقلاب» و حمایت از گروه‌های مذهبی تروریستی نشان داد که از جایگاه و خواستگاه متعجب و عقب‌مانده به استقلال می‌نگرد و نتیجه آن چیزی جز انزوا و عقب‌ماندن از کاروان تمدن بشری برای کشور ما به ارمغان نیاورد.

بر اساس این ارزیابی مختصر از ساختار حکومت و قوانین آن می‌توان نتیجه گرفت:

- جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان و نه عقل.

- در این نظام قانون‌گذار خداوند است، لذا وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین پایه و اساس می‌باشد.

- این قوانین بر خلاف قوانین عرفی که نسبی، تغییر پذیر و اصلاح‌پذیر بوده و در چارچوب زمان و مکان حرکت می‌کنند، مطلق، تغییر ناپذیر، منجمد و ازلی و ابدی هستند.

- میهن ما در تمامی عرصه‌ها دچار بحران است. این بحران‌ها قیل از همه ناشی از تسلط تجار سنتی و الیگارش‌ی روحانیت بر همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی - فرهنگی کشور است.

- «در حکومت جمهوری اسلامی ولایت فقیه اصل و جمهوریت فرع بر ولایت است. ولی فقیه مافوق قانون است و برنامه و سیاست‌های اصلی نظام را تعیین می‌کند» (نقل از برنامه سازمان - مصوب کنگره پنجم).

پیش‌شرط‌های تحول!

با توجه به مطالب پیش‌گفته، سازمان فدائیان خلق برای تحقق خواست‌های زیر مبارزه می‌کند:

۱- تشکیل مجلس مؤسسان بسرایی تدوین قانون اساسی مترقی‌ای که بتواند از یکسو ویژگی‌های جامعه ما را در بر داشته و از سوی دیگر منطبق بر منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد باشد.

۲- استقرار جمهوری دمکراتیک به جای جمهوری اسلامی. «در این جمهوری دین رسمی وجود ندارد، دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی آموزشی جداست و آزادی وجدان و حق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تأمین می‌شود» (نقل از برنامه مصوب کنگره پنجم سازمان).

۳- در جمهوری دمکراتیک تلاش خواهد شد تا قدرت مرکزی با شرکت تمام احزاب سیاسی کشور بر

نشانه بی‌زاری رای‌دهندگان از حکومت ولایت فقیه بود.

رویداد دوم خرداد آرایش سیاسی درون حاکمیت و نیز تا حدودی معین در سطح جامعه را تغییر داد. این واقعه استراتژی سنت‌گرایان را که قبضه کامل قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی و نیز حذف جمهوریت نظام بود با شکست مواجه کرد و نوعی تعادل در درون طبقه حاکم و نمایندگان آن ایجاد نمود و آنان را در زمینه‌هایی وادار به عقب‌نشینی ساخت. فضای سیاسی بسته کشور تا حد معینی باز شد و مطوعات نسبتاً مستقل پسا گرفتند و فشار سنگین دو دهه ارتجاع حاکم بر نویسندگان و روشنفکران مترقی تا حدودی کاهش یافت.

لازم به تأکید است که این تعادل شکننده بوده و با کشمکش‌ها و تنش‌های فراوان همراه است. جناح شکست‌خورده در انتخابات دوم خرداد از هیچ جنایتی برای بدست‌آوردن موقعیت از دست رفته خود فروگذار نیست. قتل‌های نفرت‌انگیز و جنایتکارانه زنجیری، برپایی دادگاه‌های بی در پی برای محاکمه نیروهای تجدیدگرا و اصلاح‌طلب حکومتی، بستن روزنامه‌های طیف اصلاح‌طلب حکومتی و غیرحکومتی و ... از جمله اقدامات آنها در این زمینه است.

عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارند که خطر بهم‌خوردن تعادل موجود را به نفع طرفداران حکومت ولایت افزایش می‌دهند که به اهم آنها سعی می‌شود اشاره‌ای گذرا داشته باشیم.

- گرچه تجدیدگرایان و اصلاح‌طلبان حکومتی برای مقابله با سنت‌گرایان از نیروهای «غیر خودی» نظیر لیبرال‌ها و چپ‌ها استفاده ابزاری می‌کنند، اما تا به امروز واقعیت وجودی آنان را به عنوان احزاب مستقل و مخالف غیر وابسته تحت عنوان غیر خودی پذیرفته‌اند.

- مناسبات و سازش‌های غیر اصولی و غیر ضرور نوگرایان حکومتی با طرفداران حکومت اسلام ناب محمدی و عدم تکیه آنان بر نیروی لایزال توده مردم.

- سازش اصلاح‌طلبان حکومتی در سرکوب خوین جنبش دانشجوین (حاده کوی دانشگاه تهران و تبریز) که توسط چماقداران حرفه‌ای طرفداران فقیه عالیقدر صورت گرفت نشان داد که اختلاف دو جناح حاکمیت و مبارزه انسان بر سر قدرت سیاسی و اقتصادی تا آنجا جایز است که نیروی سومی قد علم نکند و خواهان تقسیم قدرت نشود و مصلحت کل نظام به خطر نیفتد.

- نظامی‌ها خاستی با اعمال و افکار التقاطی خود و نیز پیروی از سیاست سازش در بالا طی مدت دو سال اخیر نشان داده که حتی برای اجرای برنامه اعلام شده خود نیز پیگری نیست. ایشان تاکنون نه تنها با تفسیر لیبرالی از دین و مذهب که توسط روحانیونی ترقیخواه نظیر آقایان کدیور، شیبستی و نیز آیت‌الله منتظری ارائه می‌شود، همسویی نشان نداده، بلکه در مواردی عکس آن نیز عمل کرده است. (نمونه: بیعت ایشان با ولی فقیه در سخنرانی خود در همدان) این ناپیگیری ایشان یکی از عوامل کنار گذاشته‌شدن نیروهای رادیکال اصلاح‌طلب حکومتی در کنار سایر نیروهای همسوم به نیروی سوم از صحنه سیاسی فعال جامعه می‌باشد.

تجددگرایی و مدرنیسم با جدایی دین از دولت، قوانین عرفی و قدرت مشروط و تقسیم آن معنی پیدامی‌کند و تا زمانیکه آقای خامنی و طرفداران وی حقیقت فوق را نپذیرند و بر اندیشه التقاطی خود اصرار ورزند فاصله عظیمی با نیازها و واقعیات جامعه خواهند داشت.

به اعتقاد ما، تلاش برای ایجاد آشتی بین وحی و عقل، قوانین الهی و عرفی و حکومت مشروح و مشروط هر چند هم که با حسن نیت صورت گیرد، مانند کوشش اکثر محصلین مذهبی ره به جایی نخواهد برد و در فرایند خود منجر به تشدید باز هم بیشتر شکاف‌ها و تضادهای درون جامعه شده و سبب خواهد گشت که این نیروهای التقاطی بین دو قطب سنت‌گرا و تجددخواه تجزیه شوند.

نمی‌توان سخن از جامعه مدنی بسیار آورد و در عین حال به قوانین عسیره‌ای، فئودالی، مذهبی و ساختار سیاسی بر محور ولایت مطلقه فقیه اعتقاد داشت. جامعه مدنی بدون قوانین عرفی، قدرت مشروط و رای اراده مردم و مشارکت تمام احزاب و نهادهای دمکراتیک ذینفوذ در آن، قابل تصور نبوده و غیر قابل تحقق است. از این نظر تضاد بین سنت و تجدید، جامعه والاثنی و جامعه مدنی، جمهوریت و ولایت، قوانین الهی و قوانین عرفی، تضاد دو صورت‌بندی اجتماعی، اقتصادی آشتی‌ناپذیر و متعلق به دو عصر جداگانه تاریخی است.

تغییرات آرایش سیاسی نیروها!

سیر تحولات جامعه بویژه از آغاز دهه ۷۰ تا به امروز بن‌بست تاریخی جریان سنت‌گرا در حکومت را آشکار کرده است. دستگاه ایدئولوژیک، قوانین و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه ترک برداشته، حیرت، پرسش، بی‌پاسخی، خلا فکری، بحران هویت و ایدئولوژیک همراه با آشکار شدن عواقب هولناک مدیریت قرون‌وسطایی جامعه که در مشکلات اقتصادی، روانی، سیاسی، فرهنگی بازتاب‌های آرزوی یافته است، شکاف‌های اجتماعی را تا حد انفجار عمیق ساخته و فضای جدیدی در کشور بوجود آورده است.

بر بطن این فضا و عوامل عینی و ذهنی جریان ادامه در صفحه ۸

مقایسه دفاعیات

در نشریه عصر آزادگان مقاله‌ای به قلم آقای تقی رحمانی درج گردیده و دفاعیات کرباسچی، خمینی‌ها، شمس‌الواعظین و عبدالله نوری با یکدیگر مقایسه شده است. در زیر متن مقاله آمده است:

دفاعیه عبدالله نوری؛ یک دفاعیه ارزشی

اقتدارگرایان در دادگاه‌های خود، انواع گرایش‌های دینی و غیردینی را به محاکمه کشانده‌اند که بررسی هر کدام از برخورد متهمان با دادگاه‌های مذکور جای تامل دارد. در این میان محاکمه کرباسچی به عنوان دبیرکل حزب کارگزاران، محاکمه حمیدرضا جلابی‌پور مدیرمسئول روزنامه جامعه، ماشالله شمس‌الواعظین سردبیر روزنامه‌های جامعه، توس، نشاط و عصر آزادگان و محاکمه کدیور محقق و نویسنده، محاکمه سیدمحمد موسوی خوینی‌ها مدیرمسئول روزنامه سلام و عبدالله نوری مدیرمسئول روزنامه خرداد قابل بررسی و مقایسه است.

۱- بی‌اغراق می‌توان گفت که محاکمه جنورایی کرباسچی، دفاع دیدگاهی بپروکراسی از اعمال خود بود که محور این دفاع بر پیچ‌وتاب‌های حقوقی دور می‌زد و مدافعات بر محور دفاع و مانور بر گریزهای قانونی متمرکز بود. در سراسر این دادگاه جنجالی تلاش متهم و قاضی بر ایجاد فضای روانی آسیب‌پذیر برای تسلیم حریف متقابل بود. بی‌تردید از کرباسچی با دیدن و باور کارگزاران انتظار نمی‌رفت که به دنبال دفاع ارزشی از خود باشد. آن هم دفاعی که بر سر آرمان‌های فراموش شده انقلاب تکیه داشته باشد.

در دادگاه کرباسچی او مسی‌خواست کهنه‌بودن و بی‌اطلاعی اقتدارگرایان از پروکراسی جدید را به رخ آنان بکشاند. از سوی دیگر، کرباسچی و یارانش به دنبال تفتیت در حکم بودند و با انواع روابط پنهان و آشکار و حریم‌های حقوقی برای رسیدن به «خواست خود» که تیرنه کرباسچی بود، تلاش کردند.

محاکمه موسوی خوینی‌ها، تبدیل به دفاعی حقوقی از عملکرد روزنامه سلام شد. شاید آقای خوینی‌ها در شان خود نمی‌دید که با قاضی دادگاه ویژه روحانیت درگیر شود، چرا که او خود را از عناصر موثر حوادث بعد از انقلاب می‌بیند که مورد هجوم ناروایی اقتدارگرایان قرار گرفته است. از همین رو، او بدون افشاگری از خود در عمل دفاع ضعیفی از خود ارائه کرد. با این وجود این محاکمه نشان داد که آقای خوینی‌ها به هر دلیل آماده نیست تا اسرار در بین مردم پویا کند و هنوز به گفتگوهای پنهان دلخوش کرده یا این اقدام را بهتر و شایسته‌تر می‌داند. در این میانه دفاع دو گرایش مذهبی در جامعه ما قابل اعتنا بود. دفاع مسئولان روزنامه‌های

محمد مجتهد شبستری:

آزادی سیاسی اسلامی و غیراسلامی ندارد

محمد مجتهد شبستری در مصاحبه‌ای با روزنامه صبح امروز ۲۵ آبان ۱۳۷۸ گفت: با کسی می‌توان بحث کرد که به وی افزود: برخی احکام فقهی را می‌گویند اما نام فلسفه سیاسی بر آن می‌گذارند که طرح این‌گونه مفاهیم را نمی‌توان فلسفه سیاسی اسلام نامید. چون علم فقه غیر از فلسفه سیاسی است.

شبستری گفت: آزادی سیاسی یک مفهوم برون‌دینی و متعلق به فلسفه سیاسی است و باید در هئویت بیرون‌دینی و فلسفه سیاسی مطالعه شود و این ادعا که نوعی خاص از آزادی سیاسی به نام آزادی سیاسی اسلامی وجود دارد ترکیبی است که هیچ نوع ارتباطی با هم ندارند و در واقع ترکیبی بی‌دلیل و بی‌مناسبت.

وی افزود: این ترکیب از سوی عسدهای صرافین منظور ایندولولوژیک کردن دین برای مهار عقلانیت صورت می‌گیرد در حالی که آزادی آزادی است و مستقوت از همه مدافعات طرفداران جامعه مدنی بود. در شرایطی که جناح اقتدار طلب دم از حفظ ارزش‌های دینی می‌زد و مدافعات را غیرارزشی می‌خواند، می‌توان گفت که عبدالله نوری در آخرین دفاع خود به سه آرمان‌های ایندولولوژیک انقلاب اسلامی نزدیک شد و با روایت ایندولولوژی مثبت، در برابر ایندولولوژی حدف و کینه اقتدارگرایان ایستاد.

جامعه‌ای که اندیشه‌های بلند مسخ شده تبدیل به بازپچه اعمال و خواسته‌ها و منافع افشاری خاص شده، عبدالله نوری با دفاعی ارزشی گفت که «حکومت کردن حق نیست، بلکه عدالت‌کردن حق است»، وی تمامی حقیقت را نزد هیچ‌کس ندانست. تحمیل باورها و قالب‌ها را به نام شریعت نادرست خواند. بر رعایت حق شهروندی تکیه کرد و شعار ایران برای همه ایرانیان را تکرار کرد و با شاهد آوردن از حکومت امام‌علی پیندی ارزشی میان اعتقادات دینی و زندگی سیاسی برقرار کرد. چنین دفاعی یادآور ارزش‌های واقعی دوران انقلاب

و به خصوص ارزش‌های روشنفکران دینی است که باور داشتند که حکومت را برای احیای حق می‌خواهند نه برای تسخیر اجرای احکام مدنی شریعت و اعمال حق ویژه برای صف و قشری خاص. در مقایسه ارزش‌های محیط‌آفرین و ارزش‌هایی که خشونت‌طلبان بر آن تاکید می‌کنند، ارزش‌های نوع اول دربراست است و جامعه ما همانگونه که به دفاع حقوقی نیاز دارد، برای ایجاد شور و شعور به دفاع از ارزش‌های محیط‌آفرین که بر باورهای دینی متکی است نیاز دارد که نوری چنین کاری کرد.

دکتر سیدمحمدرضا خاتمی سخنگوی جبهه مشارکت در یک مصاحبه مطبوعاتی مواضع این جبهه را چنین تشریح کرد: تداوم و تکمیل برنامه توسعه سیاسی، اصلاح قانون نظارت استصوابی، تقویت شوراها در جهت واگذاری اختیارات به آن برای کوچک کردن دولت، تصویب قوانین حمایتی برای احزاب و تشکلهای، اصلاح قانون مطبوعات در جهت ایجاد امنیت قلم و بیان، گسترش رسانه‌های شنیداری و تصویری با مشارکت مردم، تصویب قوانین دادگاه بررسی‌کننده جرم سیاسی و قانون تأمین امنیت اجتماعی در جهت جلوگیری از دخالت در زندگی خصوصی مردم از جمله برنامه‌های این جبهه است. وی گفت:

اگر زیرساخت‌های اقتصادی کشور اصلاح شوند بسیاری از مشکلات اقتصادی حل خواهد شد و این فرایند نیاز به تصویب و اصلاح قوانین پایه دارد از جمله اصلاح قوانین تجارت، قانون حمایت از سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و بازنگری قوانین مربوط به حمایت از تولید.

دکتر خاتمی در پاسخ این سوال گفت که آیا در باره نام‌دهی جبهه دوم خرداد و جبهه مشارکت گفتگویی هم با رئیس‌جمهوری داشته‌اید گفت: ما هیچ گفتگویی مستقیمی با آقای خاتمی در باره نام‌دهی جبهه مشارکت نداشته‌ایم دیگر گروه‌ها نیز مشورتی در این باره با رئیس‌جمهوری نداشته‌اند. خاتمی در مورد آقای کروبی گفت: ایشان یکی از پنج روحانی فهرست جبهه مشارکت‌اند و برای ما صدر و ذیل معنای خاصی ندارد و افراد فهرست ما همگی دارای اعتبار یکسان هستند. وی در باره پیش‌بینی از نتایج انتخابات مجلس ششم گفت: اگر عوامل فراقانونی و فرااجنحی در رای مردم دخالت نداشته باشد بیش از دو سوم آرا در اختیار جبهه دوم خرداد خواهد بود. وی در باره حضور نیروهای ملی - مذهبی در لیست جبهه مشارکت گفت: ما خود را از جمله نیروهای ملی - مذهبی می‌دانیم اما نام هیچ‌یک از نیروها احزاب و گروه‌های خاص را در فهرست خود نخواهیم داشت ولی در عین حال خود را موظف می‌دانیم از

روشنفکران دینی و مجلس ششم

نشریه عصر آزادگان در مقاله‌ای به قلم مجتهد محمدی تحت عنوان روشنفکران دینی و مجلس ششم تأثیرات و دلایل شکل‌گیری انقلاب نوین روشنفکران دینی و نویسندگان را مورد بررسی قرار داده و چنین می‌نویسد: اعلام اسامی نامزدهای ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب از چند جهت قابل بررسی است. انگیزه‌ها و دغدغه‌هایی که به این اعلام منتهی شده است، تأثیراتی که این اعلام در جریان انتخابات خواهد داشت و تقدایی که به نحوه اعلام و فهرست نامزدها می‌توان روا داشت. در باب انگیزه‌ها و دغدغه‌ها می‌توان نکات زیر را در نظر گرفت:

۱- روشنفکران دینی که نماینده مناسبی را از میان خود در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ برای ریاست جمهوری معرفی کردند فضای انتخابات و فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بعد آن را به سمت و سوی مشارکتی و باز سوق دادند، اکنون احساس می‌کنند که می‌توانند در مورد مجلس که شان آن در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی کم از دولت نیست موثر واقع شوند.

۲- روشنفکران دینی علیرغم تولید ایده و تأثیر فکری بر فضای سیاسی کشور همواره بیرون از قلمرو سیاسی و کاست حکومتی بوده‌اند. آنها هیچ‌گاه نتوانسته‌اند - یا شاید نخواستند - ایده‌های نظری خویش را در قالب سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و لوایح به جریان بیندازند چون کاست حکومتی در ایران از این جهات نیز همانند دیگر جهات، بسته عمل می‌کند. حضور نمایندگانی از روشنفکران دینی در مجلس احتمالاً می‌تواند آنها را در پیشبرد ایده‌های معطوف به عمل خویش یاری رساند.

۳- روشنفکران دینی که در همه عرصه‌های سیاسی چند دهه اخیر فعال و بازیگر بوده‌اند نمی‌توانند شاهد محدودماندن کاست سیاسی - حکومتی کشور در حدود ۱۰۰۰ نفر باشند. ۴- در دو دهه اخیر بیشترین فشار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و محدودیت‌ها بر روشنفکران دینی تحمیل شده است. ظاهراً تصور نیروهای سیاسی و فعال این جریان بدینجا رسیده است که با حضور برخی از این عناصر در مجلس، حداقل می‌توان از فشارهای وارده (مثل یازدهم، جلوگیری از انتشار آثار، برهم‌خوردن امنیت اجتماعی و سیاسی تا حد قتل‌های زنجیره‌ای که در صورت تداوم به روشنفکران دینی می‌رسید) کاست. و اما تأثیرات اعلام این فهرست:

۱- افزایش انتظارات و مطالبات مدنی نسبت به مجلس. مجلس بیش از آنچه تاکنون بوده می‌تواند در خدمت اهداف و غایات مدنی قرار گیرد. ۲- کاهش تعداد افرادی که در

حقوق اجتماعی و سیاسی همه شهروندان دفاع کنیم و علت عدم انتخاب این افراد نیز به دلیل ضرورت وجود مرزبندی شفاف در میان گروه‌هاست تا مردم بتوانند انتخاب سهل‌تری داشته باشند. وی در مورد کاندیداهای زن در مطرح کرد: کاندیداهای زن در فهرست جبهه مشارکت بیش از سایر تشکلهای سیاسی است. وی در رابطه با عدم وجود هاشمی رفسنجانی در لیست اعلام‌شده این جبهه بیان کرد: معیارهایی را که ما در جبهه مشارکت برای انتخاب نامزدها گذاشته‌ایم در مورد آقای هاشمی نیاز به بحث در باره آن نبود. چون ایشان را به طور کامل می‌شناسیم، اما یکی از مواردی که منجر به این تصمیم شده است که ایشان در مورد مسائل بطور صریح سخن نمی‌گویند. وی در پایان گفت:

سوالی که ما از آقای هاشمی داریم این است که چرا در مورد نامزدی خود در انتخابات صراحتاً اعلام نظر نمی‌کنند به هر حال یک ماه باقی مانده نیز در فضای نیمه‌شفاف سپری خواهد شد.

فرم درخواست اشتراک
اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:
مدت اشتراک: شش ماه □ یک سال □ تاریخ:
نام: Name:.....
نشانی: Address:.....
فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس: □ بست کنید!

